



همزمانی تلاشهای استعمارستیزانه شهید آیت الله سید حسن مدرس با میرزا کوچک خان و نیز کلنل محمدتقی پسیان، بسیاری از تاریخ پژوهان را به بررسی و کشف ابعادی از ارتباط و هماهنگیهای احتمالی میان آنها واداشته است.

در گفت و شنودی که می‌خوانید دکتر علی مدرس، (نوه دختری آیت الله مدرس) و از پژوهندگان تاریخ زندگی او، به بازنمایی پاره‌ای از این ارتباطات پرداخته است.

«میرزا کوچک خان و سید حسن مدرس»  
در گفت و شنود شاهد یاران با دکتر علی مدرس

## میرزا دنباله روی سیاست مدرس بود...

بودند. در مورد تأیید میرزا، شواهد نشان می‌دهند که مرحوم مدرس فقط یک بار به شکل علنی از میرزا نام برد و آن هم در هنگام نطق در مجلس بود که با صراحت گفت، «ای کاش در این شرایط سخت، مردان ایراندوستی چون میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا کوچک خان جنگلی و کلنل پسیان را داشتیم.» بنابراین مرحوم مدرس به شکل علنی فقط در همین جا از میرزا کوچک خان حمایت کرد.

ارتباط میان مدرس و میرزا کوچک خان به چه شکل برقرار بود و چگونه تدوام پیدا کرد؟ تا جایی که ما اطلاع داریم رابط بین مدرس و میرزا، مستوفی الممالک بود که با نام مستعار منشی این کار را می‌کرد و البته از این ارتباط در اسناد تاریخی هم نشانه‌هایی وجود دارد. مستوفی الممالک نهایت سعی خود را کرد میرزا را در گیلان به عنوان یک ذخیره برای استقلال کشور نگه دارد تا در موقع مناسب، علیه رضاخان وارد صحنه شود، اما

مبارزات میرزا کوچک خان تا چه حد متأثر از فعالیتهای سیاسی مرحوم مدرس در تهران بود و در راستای آن شیوه و منش سیاسی، تا کجا می‌توانست به حرکت خود ادامه بدهد؟

قبل از آغاز صحبت باید بگویم که اکنون در بررسی تاریخ، گرایشی محسوس به عملکرد چهره‌های تاریخ معاصر دیده می‌شود. البته من با نقد مخالف نیستم، اما ما نمی‌توانیم درباره مردان ارزشمند تاریخ خود به گونه‌ای صحبت کنیم که جامعه نسبت به آنها بی‌اعتماد شود. مادر حال حاضر به چنین افرادی نیازمند هستیم. طبیعتاً ممکن است عیوبی نیز بر این افراد مترتب باشد، اما آن عیوب و نقدها نباید موجب گردد که این افراد از چشم مردم، به ویژه نسل جوان بیفتند. اما در پاسخ سؤال شما باید گفت که میرزا کوچ خان را می‌توان در مجموع دنباله‌روی مدرس محسوب کرد. آن نکته‌ای که مطمئن نظر مرحوم مدرس و نیز مستوفی الممالک بوده، این است که در تقویت میرزا بکوشند و او را به سوی تهران روانه کنند، همان‌گونه که قصد داشتند کلنل محمدتقی پسیان را از مشهد به تهران بکشانند و در واقع حرکتی شبیه به آنچه که در ایام مشروطه اتفاق افتاد که برای مقابله با استبداد، نیروهای آزادیخواه و وطن پرست به طرف مرکز روانه شوند و به عقیده من نفس اعلام توسط میرزا و همچنین گرایش محمدتقی خان پسیان برای ایجاد جمهوری خراسان، یک قدم آنها را از اندیشه و آرمان مدرس بازداشت، چون او اعتقاد داشت که تمام اصلاحات باید از مرکز و پایتخت سرچشمه بگیرد و فقط در این صورت است که دشمن نمی‌تواند این جنبشها را سرکوب کند، اما اگر این افراد در نقاط مختلف ایران و به شکل خودمختار عمل کنند، حتی اگر به تجزیه اعتقاد هم نداشته باشند، این امکان را برای دشمن فراهم می‌سازند که از پایتخت و با قشون کشی به آن نواحی، آنها را سرکوب کنند.

مستوفی الممالک نهایت سعی خود را کرد میرزا را در گیلان به عنوان یک ذخیره برای استقلال کشور نگه دارد تا در موقع مناسب، علیه رضاخان وارد صحنه شود، اما اساتید انگلیسی رضاخان هم بسیار باهوش بودند و امروز سر بریده میرزا را در مقابل او گذاشتند و روز بعد هم سر محمدتقی خان پسیان را آوردند و گردباد حوادث، افراد میهن پرست را یکی پس از دیگری از بین برد و افرادی را بر جای آنها گمارد که تحت کنترل سیاست استعماری انگلیس

پس پرسش و پاسخی که از مرحوم مدرس درباره میرزا شده چیست؟

من در جریان تحقیقات تاریخی به صحت آن سند اعتماد پیدا نکردم، زیرا شواهد نشان می‌دهند که امضای پای این استفتا به مرحوم مدرس تعلق ندارد. ایشان در مورد استنادی

اساتید انگلیسی رضاخان هم بسیار باهوش بودند و امروز سر بریده میرزا را در مقابل او گذاشتند و روز بعد هم سر محمدتقی خان پسیان را آوردند و گردباد حوادث، افراد میهن پرست را یکی پس از دیگری از بین برد و افرادی را بر جای آنها گمارد که تحت کنترل سیاست استعماری انگلیس





به عنوان ختام سخن، شما نقاط ضعف و قوت نهضت جنگل را در چه چیزهایی می‌بینید؟  
 مسلماً نقطه قوت نهضت جنگل، مبارزه با استبداد و استعمار و همگام شدن میرزا با سایر رجال خوشنام و ایراندوست برای جلوگیری از سلطه بیگانه و تسلط عوامل استعمار انگلیس بر کشور ماست و از این جهت کارنامه نهضت جنگل روشن است، اما نقطه ضعفهای این جریان چند نکته عمده هستند. یکی از آنها ضعف سازماندهی در این نهضت است. جریان و سازمانی که می‌خواهد حرکت و مبارزه گسترده‌ای را ساماندهی کند، باید انسجام مطلوبی داشته باشد و در آن سیستمی وجود داشته باشد که بتواند دائماً عناصر صالح و ناصالح را از هم جدا کند، چون حضور برخی از افراد سست عنصر یا نایاب یا کسانی که در هر گردنه‌ای از گردنه‌های خطیر مبارزه، احتمال خیانتشان وجود دارد، قطعاً به جنبش لطمه می‌زند، از این جهت ما در این نهضت مقداری مسامحه می‌بینیم، آن هم به خاطر این است که مدیریت بسیار قوی و قدرتمندی بر این جریان حاکم نبوده که آن را منسجم سازد. نکته بعدی عدم استحکام در پیش‌بینی و محاسبات سیاسی است. ما هنگامی که توانمندی مرحوم مدرس را در رصد آنچه که در کشور می‌گذرد، ملاحظه می‌کنیم و خنثی کردن پیشاپیش ترفندها را که بسیاری از رجال سیاسی آن روز فاقد آن بودند در وی می‌بینیم و در نهضت جنگل دنبال الگوی مشابهی می‌گردیم، در این زمینه توفیقی برایمان حاصل نمی‌شود، یعنی ضعف محاسبات سیاسی و عدم پیش‌بینی‌های مدیرانه موجب شده که این نهضت لطمه‌های جدی ببیند. به نظر من مدیریت نهضت جنگل از این جنبه هم مقداری ضعف دارد، با این همه باید گفت که این ضعفها به هیچ وجه به نیکبانی این نهضت در تاریخ معاصر ایران لطمه‌ای نمی‌زند و کماکان جنگلیها به عنوان طلایه‌داران مبارزه با استعمار انگلیس و آبادی آن، نامور و جاودانه خواهند ماند. ■

امنیت و دموکراسی را به ارمغان آورده است، اما حوادث بعدی نشان دادند که این تحلیل تا چه حد بی‌پایه است. اشاره کردید که مرحوم مدرس معتقد بود که میرزا باید به تدریج حوزه فعالیتش را به تهران منتقل کند. آیا به نظر شما در آن شرایط، آمدن میرزا به تهران و فعالیت او در مرکز، می‌توانست تأثیر مورد نظر را بگذارد؟

مسلماً اگر میرزا می‌توانست با تمهیداتی و با اقتدار وارد تهران شود، حداقل رضا خان مقداری کنار می‌کشید و یا دست کم احتمال این کار، بسیار زیاد بود، شاهد این مدعا هم همان احساس خطری بود که آخر الامر از حضور جنگلیها در رضاخان به وجود آمد. می‌دانید که نمایندگان میرزا به تهران آمدند و با قوام السلطنه صحبت کردند و او هم گفت که باید مستقیماً با رضاخان صحبت کنید. برای فردای آن روز وقت گرفتند. چون رضاخان از این نیت آنها اطلاع داشت و می‌دانست اگر به آن شکل پیش بروند، اقتدار و نفوذ زیادی پیدا خواهند کرد، همان شبانه به طرف گیلان حرکت کرد و حمله به نیروهای میرزا را طراحی کرد که نهایتاً به پراکنده شدن جنگلیها و یخ‌زدن و مرگ میرزا و گانوک منتهی شد. البته ما در تاریخ دو نفر را به نام گانوک می‌شناسیم. یکی فردی است که در رشت همراه میرزا بود و بسیار هم به او علاقه داشت و بسیار هم به میرزا وفادار بود و یکی هم گانوک آلمانی است. این مطلب را در اسناد یافته‌ام. ظاهراً جناب عالی هم در مرکز مطالعات تاریخی، درباره مجموعه‌ای از اسناد مرتبط با میرزا، پژوهش کرده‌اید. در مورد سیر تاریخی این اسناد و آنچه که از آنها استنباط کرده‌اید، نکاتی را ذکر کنید.

حدود هفت هشت سال قبل، مرکز مطالعات تاریخی، مجموعه نفیس و بسیار ارزنده‌ای از اسناد را برای بررسی در اختیار من گذاشت. البته من سعی کردم درجه اولها را انتخاب کنم. این اسناد طبیعتاً از آغاز حرکت میرزا تا پایان آن نهضت را نشان می‌دهند. مثلاً اسنادی درباره تبلیغات میرزا علیه انگلستان و با رفتن سپاهیان آبرونساید به شوروی پس از انقلاب روسیه که قصد داشتند از گیلان عبور کنند و به قفقاز بروند و با بلشویکها بچکنند و نگذارند که آنها موفق بشوند. یادداشت‌های آبرونساید نشان می‌دهند که میرزا از حرکت آنها ممانعت می‌کند و می‌گوید که اگر قدم به گیلان بگذارند، آنجا را اشغال می‌کنند و فقط اجازه عبور را به قشون آبرونساید می‌دهد که البته او به قولش وفا نمی‌کند و سر پل منجیل به جنگلیها حمله می‌کند. این نکته برای من بسیار جالب بود. به هر حال با بررسی اسناد به مطالب مهمی برخوردیم. مثلاً مذاکراتی که از طرف دولت مرکزی با جنگلیها داشتند و به اصطلاح می‌خواستند با استفاده از چهره‌هایی چون احمد آذری آشتی‌کنانی به راه بیندازند که البته به جای صلح و آرامش، در آن منطقه اعمال خلاف انجام دادند و عده‌ای را هم دار زدند. به هر حال از این فعالیتها اسناد زیادی هست تا می‌رسیم به سندی که در مورد پیدا کردن جنازه میرزا در برفها هست و یا چند توبه‌نامه که گمانم هفت هشت ده تایی می‌شود و بعضیها هم خون آلود هستند.

آیا بنا هست که این اسناد چاپ شوند؟

البته در هنگام برگزاری کنگره بزرگداشت میرزا کوچک خان قرار بود چاپ شود و مسئولین کنگره هم خیلی تلاش کردند، ولی این اتفاق نیفتاد. البته این اسناد تنظیم شده‌اند و اگر چاپ شوند، حداقل دو جلد کتاب جامع و جالب خواهد شد.

که بسیار مهم بودند و جنبه سیاسی داشتند، نوع خاصی امضا می‌کردند و برای اسناد معمولی نوع دیگر و لذا امضا و نحوه نگارش پاسخ این سؤال با شیوه دقیق مرحوم مدرس در پاسخگویی به مسائل سیاسی و نوشتن اسناد سیاسی، سازگار نیست. البته در اصل قضیه تفاوت چندانی ایجاد نمی‌شود، چون حرکت میرزا مورد علاقه و تأیید مرحوم مدرس بود، زیرا رضاخان را خوب شناخته بود و علت علاقه‌اش به میرزا هم، مقابله او با رضاخان بود و به‌رغم برخی از تحلیلها که قصد دارند رابطه میرزا و رضاخان را در مقطعی رابطه‌ای حسنه جلوه دهند، میرزا خیلی خوب فهمیده بود که با وجود رضاخان که دست پرورده و دست‌نشانده انگلیس است، نمی‌توان به دموکراسی دست پیدا کرد. یکی از شیوه‌هایی که انگلیسها برای حمایت از رضاخان و ایجاد محبوبیت برای او در پیش گرفتند، وارونه جلوه دادن

**نقطه قوت نهضت جنگل، مبارزه با استبداد و استعمار و همگام شدن میرزا با سایر رجال خوشنام و ایراندوست برای جلوگیری از سلطه بیگانه و تسلط عوامل استعمار انگلیس بر کشور ماست و از این جهت کارنامه نهضت جنگل روشن است.**



کلنل محمد تقی خان پسیان

حرکتیهایی چون مبارزه مرحوم مدرس، نهضت جنگل، قیام شیخ محمد خیابانی و قیام کلنل پسیان بود. آنها این جنبشها را با یغیگری و شکستن حریمهای قانونی قلمداد می‌کردند و طبیعتاً کسی که این حرکتها را سرکوب می‌کرد، تبدیل به قهرمان ملی می‌شد و این‌گونه وانمود می‌کردند که رضاخان پس از یک دوره اغتشاش و آشفستگی، برای ایران